

وسوسه‌های ناتمام



۴

■ نوشته:

ابراهیم حسن بیگی

■ نشر: کتابستان

معرفت

■ سال انتشار: ۱۴۰۰

■ ۱۶۴ صفحه

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده نام‌آشنای ایرانی و برنده جایزه کتاب سال ایران، این بار پرده‌ای تازه از ماجراهای مهم کربلا را نقش زده و مخاطب را با نگاهی متفاوت تا میان روز واقعه برده است. او در این کتاب در بستر داستانی با آوردن شخصیتی به نام ایوب، به بازآفرینی واقعه کربلا پرداخته و از زاویه‌ای نو به این واقعه نگاه کرده است.

محمد (ص)



۵

■ نوشته:

ابراهیم حسن بیگی

■ نشر: مدرسه

■ سال انتشار: ۱۳۸۷

■ ۲۸۷ صفحه

این رمان داستانی از زندگی پیامبر بزرگ اسلام از زبان مردی یهودی است و انتشار آن تلاشی در جهت معرفی هر چه بیشتر پیامبر عشق و رحمت به مردم سراسر جهان به شمار می‌رود. حسن بیگی در رمان «محمد»، با حالتی گزارش‌گونه، مطالبی را درباره اتفاقات، مبارزات و جنگ‌های پیامبر (ص) ارائه می‌کند. این کتاب در سال‌های اخیر به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. این کتاب هم‌اکنون در سایت آمازون قابل دسترس است.

ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند



۶

■ نوشته:

ابراهیم حسن بیگی

■ انتشارات: عهد مانا

■ سال انتشار: ۱۳۹۶

■ ۱۵۲ صفحه

«ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» داستان دلدادگی یک کشیش مسیحی است که در مسکو زندگی می‌کند. او کتاب‌ها و آثار خطی و قدیمی بسیاری دارد و به این کار عشق می‌ورزد. اما حوادثی دست‌به‌دست هم می‌دهد تا پا در مسیری بگذارد که به شناخت امام متقین، امیرالمومنین، علی (ع) منتهی می‌شود.

به‌عنوان یک نویسنده به جامعه و جهان پیرامون‌تان چطور است؟

شکی نیست که نویسنده هم هم مثل آحاد جامعه با بحران‌های اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند و طبعاً جزئی از مردم است. ولی واقعیت این است که نویسندگان و متفکران بیش از سایر مردم به دو وجه زندگی؛ یعنی خوشبختی و نارضایتی می‌اندیشند. من هم در طول این سال‌ها سعی کرده‌ام از زوایای مختلف در هر کدام از رمان‌هایم به این مسائل نگاه کنم. به عنوان مثال، در «ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» با استناد به کتاب نهج‌البلاغه به مسئله خوشبختی و نارضایتی بشر پرداخته‌ام. این نشان می‌دهد که نویسنده همواره برای نوشتن اثر از جامعه خود بهره می‌گیرد و من هم در این سال‌ها از این قاعده مستثنی نبوده‌ام.

حالا که به پایان گفت‌وگو نزدیک شده‌ایم، شاید بد نباشد این سوال را هم با شما مطرح کنم که اصلی‌ترین دلیل کتاب نخواندن اغلب مردم را در چه نکته‌ای می‌دانید؟ بعضی، قیمت بالای کتاب را معضل اصلی عنوان می‌کنند. در حالی که می‌بینیم مخاطب برای خرید یک پیتزا، هزینه به‌مراتب بیشتری از کتاب صرف می‌کند، پس دلیل کتاب نخواندن نباید فقط به قیمت آن محدود شود. این مسئله حتماً دلایل دیگری دارد که مایلیم شما هم به آن اشاره کنید.

بی‌رغبتی مردم به مطالعه نه فقط بحث اقتصادی است، که دلایل دیگری دارد. البته قطعاً مسائل اقتصادی هم در این زمینه دخیل است، اما به نظر می‌رسد، عمده بحث بی‌توجهی مردم نسبت به کتاب ناشی از ندانستن است. اگر مردم بدانند که کالایی چون کتاب از چه ارزشی برخوردار است و چه خوراکی را برای آنها مهیا می‌کند، بیشتر نسبت به این امر مهم توجه می‌کنند. ضمن اینکه فرهنگ‌سازی و آموزش هم در این بین می‌تواند تاثیر به‌سزایی داشته باشد. همان‌طور که امروز مردم دریافته‌اند طب سنتی گاه می‌تواند سودمندتر از داروهای شیمیایی عمل کند، می‌بینیم عطاری‌ها از مراجعه‌کنندگان بیشتری برخوردار شده‌اند.

چون مردم در سال‌های اخیر به سلامت جسم خود اهمیت بیشتری می‌دهند. امیدوارم بستری فراهم شود تا با پررنگ شدن اهمیت کتاب‌خوانی، سلامت روح هم نزد مردم در اولویت قرار بگیرد. چرا که کتاب خوب هم به اندازه میوه و غذای خوب می‌تواند در سلامت روح انسان نقش داشته باشد. طبیعی است که هر چقدر روح سالم باشد، جسم هم از گزند بیماری‌ها در امان می‌ماند. تردیدی نیست، آنچه که روح مردم را التیام می‌دهد، کتاب خواندن است؛ البته مشروط بر آنکه کتاب خوب هم وجود داشته باشد. این جاست که رسانه‌ها، به‌خصوص رسانه ملی می‌توانند با معرفی کتاب‌های باکیفیت و ارزشمند، نقش زیادی در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مخاطبان داشته باشند و مردم را به سمت خواندن کتاب تشویق کنند.

ظاهراً این روزها مشغول نگارش رمان تازه‌ای هستید.

مدتی است که نگارش تازه‌ترین اثرم را به پایان رسانده‌ام. این اثر، یک رمان دفاع مقدسی است که «حمید، حمید، احمد» نام دارد و قرار است به زودی از سوی انتشارات بنیاد حفظ و آثار دفاع مقدس به چاپ برسد.



نویسندگان و متفکران بیش از سایر مردم به دو وجه زندگی، یعنی خوشبختی و نارضایتی می‌اندیشند. من هم در طول این سال‌ها سعی کرده‌ام از زوایای مختلف در هر کدام از رمان‌هایم به این مسائل نگاه کنم

از دلایل اینکه در این سال‌ها بعضی از آثار در حوزه‌هایی که اشاره کردید، نتوانسته‌اند ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کنند، این باشد که نویسنده، بد داستان و قصه گفته است. همان‌طور که گاهی پیش می‌آید از یک موضوع خوب، بد دفاع می‌کنیم. با این حال معتقدم، نباید مخاطبان آثار داستانی را بشماریم، بلکه باید تمهیدی بیندیشیم و آثاری خلق کنیم که از جذابیت برخوردار باشند. مسئله دیگر در این بین ناشر است. در این سال‌ها ناشرانی بوده‌اند که با وجود آنکه اثر داستانی از هر نظر قدرتمند و جذاب بوده ولی نتوانسته‌اند راه کار درستی برای مخاطب‌یابی، فروش و عرضه این آثار در بازار کتاب‌فروشی‌ها بیابند. در مقابل، ناشرانی هم بوده‌اند که با اطلاع‌رسانی و فعالیت در شبکه‌های توزیع کتاب توانسته‌اند قدم‌های موفقیت‌آمیزی برای دیده شدن یک کتاب بردارند. نمونه آن کتاب «ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» است که انتشارات «عهد مانا» با درایت و اطلاع‌رسانی درستی که انجام داد، توانست این کتاب را به شکل وسیعی در معرض دید مخاطبان بگذارد. به طوری که امروز کتاب به تیراژ هفتادم رسیده است.

در حال حاضر تاملات و نگرش شخصی شما